



امامت حضرت مهدی (عج) آغاز تحقق بشارت‌های انبیاست

حجت‌الاسلام خدامراد سلیمیان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تاکید کرد:

حجت‌الاسلام خدامراد سلیمیان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تاکید کرد: ما معتقدیم سلسله هدایت های الهی در هیچ مقطعی تعطیل نشده و انسان ها به خودشان واگذار نشده اند و این امر بعد از وفات پیامبر(ص) هم وجود دارد. خدامراد سلیمیان نهم ربیع الاول آغاز امامت امام زمان(عج) پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام عسکری(ع) است.

امامت امام عصر(عج) از ۵ سالگی ایشان شروع شد و به همین دلیل شبهاتی را در اذهان پدید آورده است؛ از جمله اینکه چگونه ممکن است یک کودک ۵ ساله راهبری و امامت بشریت را برعهده بگیرد؟ اگر امامت ایشان را بپذیریم، فلسفه غیبت آن حضرت چیست؟ آیا تنها وظیفه امروز ما پاسداشت این روز است؟

حجت‌الاسلام و المسلمین خدامراد سلیمیان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، در گفت‌وگو با خبرنگار ایکننا، به این پرسش ها پاسخ داده است که در ادامه می‌خوانید:

ایکننا _ امام مهدی(عج) در شرایطی به دنیا آمدند که ارتباط حضوری شیعیان با ائمه در نهایت محدودیت بود. در این صورت چگونه باید انتظار داشته باشیم که مردم در آن دوره تولد و امامت ایشان را باور کنند؟

خداوند برای هدایت انسان ها پیامبران را ارسال کرده است و پیروان تمامی ادیان به این مسئله معتقد هستند و هر کدام یکی از پیامبران را باور دارند. شمار فراوانی از انسان ها خود را ملتزم به تبعیت از آموزه هایی می دانند که پیامبران الهی آنها را آورده اند و ما معتقدیم سلسله هدایت های الهی در هیچ مقطعی تعطیل نشده و انسان ها به خودشان واگذار نشده اند و این امر بعد از وفات پیامبر(ص) هم وجود دارد.

خداوند بعد از پیامبر(ص) حجت ها و اولیایی از سوی خود معرفی و منصوب کرد و در این شک و تردیدی نیست؛ گرچه در این مسیر فراز و فرودهایی وجود داشته است و کسانی بوده اند که به هر دلیلی به بیراهه رفته و به جانشینان پیامبر(ص) گردن نهاده اند و دیگران را هم منحرف کردند.

ما معتقد به ۱۲ پیشوا بعد از پیامبر(ص) هستیم که آخرین آنها همان مهدی موعود است. البته اهل سنت او را انسانی می دانند که نزدیک به قیام جهانی خود به دنیا می آید و باور به زنده بودن او ندارند.

شرایطی که روز به روز سخت تر شد

حوادث مختلفی در دوره ائمه(ع) رخ داد؛ از جمله اینکه افرادی از تبعیت ائمه(ع) روی برتافتند و مسیر دیگری را در پیش گرفتند. قریب به ۵ سال امام علی(ع) در رأس حکومت قرار گرفتند و اندکی امام مجتبی(ع) امامت را برعهده داشتند و روزبه روز مظلومیت آنان و شرایط سختشان بیشتر شد و امام حسین(ع) را شهید کردند و امام سجاد(ع) در خفقان زندگی کردند و به جز در دوره صادقین(ع)، که فضای نسبتاً بازی ایجاد شد، مابقی ائمه(ع) در خفقان زندگی کردند.

ائمه(ع) علاوه بر محدودیت در زندگی، عمر شریفشان هم به کشته شدن و شهادت انجامید تا اینکه نوبت به آخرین حجت الهی رسید؛ در سلسله انبیای الهی ایشان چهره به چهره به تبلیغ و ابلاغ دین می پرداختند و مردم را هدایت می کردند و در دوره ائمه(ع) همین وضعیت حاکم بود. از آنجا که به گفته پیامبر(ص)، ائمه ۱۲ نفر با نام و عنوان مشخص هستند، به تدریج از زمان امام هادی(ع) و به خصوص در دوره امام عسکری(ع) وضعیت خاصی بر زندگی ایشان حاکم شد و در محدودیت و حصر شدیدی به سر بردند و ایشان هم برای عادت دادن شیعیان محدودیت هایی را در رفتار خود اعمال کردند.

بعد از شهادت امام عسکری(عج) زندگی آخرین پیشوای الهی متفاوت از بقیه است و مردم لیاقت حضور ظاهری ائمه(ع) را برای

خود ایجاد نکردند. بنا بر قول مشهور، امام زمان(عج) در سال ۲۵۵ قمری متولد شدند و در سالی که پدر بزرگوارشان به شهادت رسیدند عمر شریف ایشان ۵ سال بود.

امامت انسانی ۵ ساله

سؤال مهمی که به ویژه مخالفان بر آن تاکید کردند این است که چگونه ممکن است یک فرد ۵ ساله بتواند متکفل انسان های دیگر و امام مردم باشد و شبهاتی را ایجاد کردند، ولی بهترین دلیل برای امکان این مسئله وقوع آن است و وقتی در تاریخ جست وجو کنیم، می بینیم که نمونه های مشابهی داشته است. اگر چنین نمونه هایی رخ نداده بود، امامت حضرت مهدی(عج) در خردسالی می توانست پایانی بر رسالت پیامبر(ص) و خلافت بعد از ایشان باشد، ولی خداوند همه امور را تمشیت و تدبیر کرده است.

در سلسله انبیای الهی دو پیامبر(ص) در سن و سال خاصی مدعی نبوت شدند و قرآن آن را گزارش کرده است. حضرت عیسی(ع) در هنگام تولد به سخن آمد و فرمود که خدا به من کتاب داده و مرا نبی قرار داده است؛ حضرت عیسی(ع) با صراحت در نوزادی از نبوت خود سخن می گوید و چنین گزارشی در مورد حضرت یحیی(ع) هم بیان شده و قرآن به آن پرداخته است و او هم در کودکی به مقام نبوت رسید. بنابراین مقام نبوت و امامت در گرو تجربه نیست؛ پیامبر(ص) در ۴۰ سالگی به نبوت رسیدند، ولی به معنای آن نیست که ۴۰ سال طول کشید تا حضرت تجربه لازم را کسب کنند و به این مقام برسند. رسول گرامی اسلام از زمانی که متولد شدند نبی بودند و خدا می دانست پیامبر است، ولی زمان بعثت متفاوت بود.

بنابراین ما با استناد به زندگانی دو نبی الهی در قرآن، مقام نبوت و امامت را منوط به احراز شرایط و کسب تجربه نمی دانیم. علاوه بر دو نبی شرایط امامین جواد و هادی(ع) هم مستندی برای اثبات امامت امام زمان(عج) است. در هشتم و نهم ربیع و روزهای آغازین ولایت امام مهدی(عج) شرایط طوری است که حضرت مجال و فرصت دفاع از موقعیت خود را ندارد و به محض رسیدن به مقام امامت وارد دوره غیبت می شوند و جامعه در آزمون و ابتلای شدیدی قرار می گیرد.

ایکنا _ یکی از مهمترین مسائل در این حوزه این است که غیبت چگونه است و چه فلسفه ای دارد؟

حضرت مهدی(عج) در آغاز ولایت و امامت به مشیت الهی در پرده غیبت قرار گرفتند، یعنی حضرت زنده هست و حضور دارند، ولی خدا حجاب و مانعی بین ایشان و مردم قرار داده و در برخی روایات آمده است که حضرت مهدی(عج) حضور دارند و مردم هم ایشان را می بینند، ولی او را نمی شناسند. بنابراین غیبت آزمون بسیار سختی برای جامعه اسلامی خصوصاً جامعه شیعی است و از پیامدهایش این بود که کسانی در مورد امامت دچار تزلزل شدند، تردید کردند و به تدریج انشعاب زیادی در شیعه ایجاد شد.

حضور دانشمندان بزرگ برای انسجام بخشی به تفرقه و پراکندگی شیعه، مسئله بسیار مهمی در کنار فعالیت نواب خاص چهارگانه حضرت بوده است. غیبت مایه عبرت و درس ماست، زیرا خداوند امت ها را در هر دوره ای با یکسری مسائل امتحان می کند. انسان هایی که در شرایط حضور پیامبر(ص) و امام علی(ع) هستند به یک نحو آزمایش شدند و ما هم امروزه به نحوی دیگر در حال آزمایش هستیم. به همین دلیل یکی از فلسفه های غیبت؛ امتحان و ابتلاست.

بنابراین ضمن اینکه آغاز امامت و ولایت حضرت آزمون سختی برای مسلمین و شیعیان است، ولی به استناد ادله قطعی و معتبر، امری مسلم و قطعی بوده است و می تواند آغاز فصل دوم کتب اندیشه نجات باشد، یعنی اگر ما اندیشه نجات را مبتنی بر دو فصل بدانیم، یکی فصل بشارت است که خدا به انبیا داده است و در آیات مختلف به صالحین و مستضعفین وعده داده که آینده جهان در دست آنها خواهد بود و فصل دوم این کتاب آغاز ولایت و امامت امام مهدی(عج) است و خدا با امامت و ولایت هر آنچه را به انبیا بشارت داده بود محقق خواهد کرد؛ گرچه زمانی که مستضعفین بر جهان سلطه یابند و موعود بیاید، مشروط به آمادگی انسان هاست و اگر هزار سال قبل مردم آماده ظهور بودند؛ رخ می داد و اگر تا هزار سال دیگر هم این آمادگی ایجاد نشود ظهور رخ نمی دهد.

ایکنا _ مهمترین شرط ظهور و تحقق امامت نامه آن حضرت چیست که فراهم نشده است؟

حضرت مهدی(عج) خودشان را به جامعه بشری تحمیل نمی کنند؛ بنابراین احساس نیاز جامعه جهانی به موعود برای بسامان کردن نابسامانی ها مسئله مهمی است و اگر این نیاز بود ظهور در آینده نزدیک رخ خواهد داد و اگر به هر دلیلی انسان ها

نخواستند، تغییری در سرنوشت آنها ایجاد نخواهد شد، کما اینکه قرآن فرموده است: «ان الله لا یغیروا ما بقوم حتی ینقضوا ما بانفسهم.»

ایکنا _ نظرتان درباره مراسمی که در سالروز آغاز امامت ایشان برگزار می شود چیست؟

تعظیم شعائر بسیار خوب و یادآوری برای رسیدن به اهداف است، مثلاً عزاداری برای امام حسین(ع) هدف نیست، بلکه وسیله و طریقی برای رسیدن به اهداف حسین علی(ع) است؛ ما نیمه شعبان و نهم ربیع و... را جشن می گیریم، ولی نباید به هدف تبدیل شود. کافی است که مهمترین کارکردش این باشد که ما به حضور حضرت مهدی(عج) در جامعه حساس شویم و حس کنیم ایشان در بین ما زندگی می کنند و بر مسند خلافت الهی و امامت تکیه زده اند. لذا باید او را پیشوای خود در زندگی فردی و اجتماعی بدانیم.

زمانی ما شادمانی واقعی داریم که در قول و فعل و رفتار، تابع امام خود باشیم و اگر غیر از این باشد، تبعیت از امام وجود ندارد، مانند اینکه نماز جماعت در مسجد برقرار باشد، ولی مؤمنین از امام تبعیت نکنند و هر کسی نماز خود را بخواند. اگر خود را متعهد به تأسی از امام(ع) در زندگی فردی و اجتماعی کردیم، امامت و ولایت را پاس داشته ایم وگرنه صرف اینکه در مناسبت های خاص مانند نیمه شعبان و نهم ربیع شربت و شیرینی بدهیم و حضرت حضور مملوسی در زندگی مان نداشته باشد، بهره چندانی نبرده ایم.

در آیات متعدد قرآن کریم بیان شده است که وقتی انسان ها وارد قیامت شوند، با امام خودشان فراخوانده خواهند شد؛ «کل اناس بامامهم» و بدا به حال کسانی که در دنیا به دنبال امام کفر و باطل رفتند و امام حق را تنها گذاشتند و خوشا به سعادت کسانی که ولایت انسان های الهی را قبول و با ولایتشان زندگی خود را تأمین کردند. اگر ما به امام تأسی نکنیم، جماعت به هم می خورد و وقتی امام در حال قیام است، بقیه قعود دارند و برعکس و در چنین شرایطی وحدت شکل نمی گیرد. بنابراین باید اعتقادات، رفتار و زندگی خود را بر مبنای سیره و روش امام زمان(عج) تنظیم کنیم تا ادعای باور به امامت در عمل نشان داده شود.